

تحول‌گرایی مرحله تحت‌نظر پلیسی در فرایند دادرسی کیفری ایران در چشم‌انداز تطبیقی^۱

علی دهقانی^۲، محمد آشوری^۳، منصور رحمدل^۴، محمدعلی اردبیلی^۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۶

چکیده

زمینه و هدف: امروزه در پرتو اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای تدبیر تحت‌نظری پلیسی بعنوان یک اقدام سالب آزادی و مغایر با حق آزادی و امنیت شخصی تحولات گسترده‌ای را به ویژه در حقوق دفاعی متهم یا مظنون در خود دیده است این تحولات که در جهت جلوگیری از نقض حقوق افراد تحت‌نظر صورت گرفته و جنبه حمایتی دارد تا آنجا پیش رفته که تحت‌نظری نه صرفاً بعنوان اقدامی پلیسی که طی آن شخص متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، در بازداشت و تحت بازجویی مامورین پلیس قرار می‌گیرد، بلکه بعنوان یکی از مراحل فرایند دادرسی کیفری تلقی شده که در آن افراد تحت‌نظر از کلیه حقوق دفاعی برخوردارند. در همین راستا قوانین داخلی کشورها مقرراتی را جهت ضابطه‌مند کردن این مرحله از فرایند دادرسی کیفری و عادلانه و منصفانه نمودن آن، تدوین نموده‌اند. در کشورمان علی‌رغم تحولات صورت گرفته نسبت به مرحله تحت‌نظری، همچنان این مرحله بعنوان یکی از مراحل فرایند دادرسی کیفری پذیرفته نشده است و اختیارات پلیس نیز محدود می‌باشد. هدف از

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی با عنوان «اصول بنیادین دادرسی کیفری در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و مقایسه آن با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای» می‌باشد.
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی (استاد راهنما)، گروه حقوق کیفری، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: m-ashouri@srbiau.ac.ir
۴. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی (استاد مشاور)، گروه حقوق کیفری، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۵. استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی (استاد مشاور)، گروه حقوق کیفری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

پژوهش حاضر، بررسی مقررات تحت نظری، اختیارات و تکالیف پلیس در زمان حضور متهم در آن مرجع و رویکرد قانونگذار کشورمان راجع به آن با نگاهی تطبیقی خواهد بود.

روش: این پژوهش، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع مختلف موجود و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و مقررات برخی کشورها انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تحولات گسترده صورت گرفته در مرحله تحت نظر و پیش‌بینی تکالیفی برای پلیس و حقوق دفاعی برای اشخاص تحت نظر، ولی اختیارات پلیس در این مرحله و حق دفاع افراد تحت نظر محدود بوده و اختیار تقاضای افزایش مدت تحت نظری از سوی پلیس در صورت ضرورت برای حفظ امنیت و دفاع از جامعه در جرایم مهم با نظارت مقام قضایی پیش‌بینی نشده است. مهمتر اینکه مرحله تحت نظری بعنوان یکی از مراحل فرایند دادرسی کیفری لحاظ نشده است، در حالیکه می‌توان با استفاده از ظرفیت پلیس و با نظارت مقام قضایی و ضمن رعایت حقوق دفاعی متهمین در جهت کشف واقع و دفاع از جامعه و امنیت آن بویژه در جرایم تروریستی، به پلیس اختیار تقاضای افزایش مدت تحت نظری را برای تکمیل تحقیقات اعطاء کرد، از طرفی تحت نظر قرار دادن متهم یا مظنون را صرفاً محدود به جرایم دارای مجازات حبس نمود..

کلیدواژه‌ها

تحت نظر، متهم، مظنون، پلیس، قانون آئین دادرسی کیفری، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای.

طرح و بیان مساله

تحت نظر قرار دادن متهم یا مظنون که به بازداشت پلیسی نیز تعبیر می‌شود، یکی از مراحل سرنوشت ساز فرایند دادرسی کیفری است. نگهداری تحت نظر یا بازداشت پلیسی مغایر با اصل برائت و حق آزادی و امنیت اشخاص می‌باشد؛ چرا که فرد بازداشت شده در پرتو اصل برائت قرار دارد دارد از طرفی حقوق اجتماع ایجاب می‌نماید که پلیس به منظور کشف واقع و جلوگیری از گزند بزهکاران به جامعه نسبت به جمع آوری و حفظ ادله و ممانعت از فرار متهم یا مظنون اقدام نماید. طبیعتاً عدم توجه به حقوق دفاعی شخص تحت نظر و عدم اطلاع او از حقوق خود او را در معرض آسیب جدی قرار می‌دهد. بر همین اساس اسناد بین المللی و منطقه‌ای از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هر گونه بازداشت یا زندان و قوانین داخلی بسیاری از کشورها اصول و مقررات ویژه‌ای را که ناظر بر این مرحله از فرآیند کیفری، مدت تحت نظر، شرایط آن، حقوق دفاعی از قبیل حق سکوت، آگاهی از اتهام و دلایل آن و حق استفاده از معاضدت و کیل مدافع و..... در نظر گرفته و مرحله تحت نظری را بعنوان یکی از مراحل دادرسی کیفری به رسمیت شناخته‌اند. تحت نظری در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحت ضابطه و مقررات خاصی قرار گرفته و تحول یافته است که نسبت به قوانین قبلی بی سابقه است. با وجود تحولات صورت گرفته، چنانچه ادامه مدت تحت نظری در جرایم مهم به منظور جمع آوری ادله توسط پلیس، ضرورت یابد، محدودیت زمانی وجود دارد و تحت نظری صرفاً برای ۲۴ ساعت و بدون در نظر گرفتن نوع جرم، در کلیه جرایم پیش‌بینی شده است، در صورتیکه حمایت از جامعه و امنیت آن، ماهیت و نحوه ارتکاب برخی جرایم ایجاب می‌نماید که متهم در مدت بیشتری تحت نظر پلیس قرار گیرد و امکان تمدید مدت

تحت نظری با وجود شرایطی از جمله حفظ یا کسب ادله و ضرورت انجام فوری بازجویی باید وجود داشته باشد و تحت نظری که به موجب آن آزادی متهم یا مظنون سلب می‌شود قابل اعتراض نیست و مهم‌تر اینکه اساساً مرحله تحت نظری بعنوان یکی از مراحل فرایند دادرسی کیفری به رسمیت شناخته نشده است. بنابراین با وجود رویکرد تحول‌گرایانه قانونگذار نسبت به مرحله تحت نظری و پیش‌بینی حقوقی برای متهم و مظنون؛ لیکن در مقررات کیفری ایران همچنان محدودیت‌هایی هم راجع به اختیارات پلیس در مدت تحت نظری و امکان تمدید آن و هم در خصوص حقوق دفاعی افراد تحت نظر وجود دارد که انجام اصلاحاتی را در قانون ضروری می‌نماید. در این پژوهش تحولات صورت گرفته نسبت به مرحله تحت نظری پلیسی در قانون آئین دادرسی کیفری با نگاهی تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است و با تکیه بر این سوال که آیا مرحله تحت نظری بعنوان یکی از مراحل فرایند دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شده است یا خیر؟ تلاش شده ابهامات و ایرادات وارده بیان گردد و پیشنهادات اصلاحی ارائه شود؛ چرا که می‌توان ضمن رعایت حقوق دفاعی متهم در این مرحله و اعطای اختیار تقاضای افزایش مدت تحت نظری و تعلیق نمودن حقوق دفاعی متهم از سوی پلیس به مقام قضایی و پیش‌بینی حق اعتراض به این تصمیم در مرجع قضایی بالاتر، اختیارات پلیس در جمع‌آوری ادله را در جرایم مهم افزایش داد تا هم حقوق اشخاص تحت نظر رعایت گردد و هم امنیت جامعه در مقابل بزهکاری تأمین شود و جمع‌آوری ادله در مرحله سرنوشت‌ساز تحت نظری به نحو مطلوب‌تری صورت پذیرد. موضوعی که در پرتو اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در قوانین کیفری برخی کشورها بویژه در جرایم مهم از جمله جرایم تروریستی مورد پذیرش قرار گرفته و تحت نظری بعنوان یکی از مراحل فرایند دادرسی کیفری لحاظ گردیده است؛ ولی در قانون آئین دادرسی کشورمان مغفول مانده است.

پژوهش حاضر، تدبیر تحت‌نظری و حقوقی که فرد بازداشت شده از آن بهره‌مند می‌گردد و رویکرد قانونگذار کشورمان نسبت به مرحله بازداشت پلیسی را با نگاهی تطبیقی و انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱- مفهوم شناسی تحت‌نظری

نگهداری تحت‌نظر یا بازداشت پلیس اختیاری است که به موجب قانون به ضابط دادگستری (پلیس قضایی) داده شده تا کسانی را که در جرایم مشهود یا در ضمن تحقیقات مقدماتی شواهدی علیه آنان به دست آمده است به منظور تحقیقات و با اطلاع مقام قضایی برای مدت محدود نگهداری کنند. از این تعریف چنین بر می‌آید که: یکم) نگهداری تحت‌نظر اقدامی است سالب آزادی که به موجب قانون در شرایط خاص مقرر شده است. دوم) تحت‌نظر گرفتن از اختیارات ضابط دادگستری است و مأموران دیگر دولت چنین اختیاری ندارند. سوم) از دیگر اقدامات سالب آزادی یا محدود کننده آزادی مانند جلب متهم یا تحویل متهم به زندان متمایز است. چهارم) موضوع نگهداری تحت‌نظر یا تکمیل تحقیقات از طریق استماع اظهارات یا اقرار شخص تحت‌نظر است. پنجم) نگهداری تحت‌نظر با اطلاع مقام قضایی است (اردبیلی ۱۳۸۸، ۲۰۷ و ۲۰۸). تحت‌نظر ناظر به مرحله‌ای است که مظنون در بازداشت نیروهای پلیس به سر می‌برد. تحت‌نظر اختیار و نه حقی است که به ضابطان دادگستری اجازه می‌دهد تا در شرایطی خاص، افراد مظنون به ارتکاب جرم را برای مدتی که امروزه در بسیاری از کشورها با لحاظ شدت مجازات جرم یا نوع جرم ارتكابی تعیین می‌شود، به منظور حصول نتایج مورد نظر قانونگذار در اماکن پلیس نگهداری کنند. غالباً در جریان تحت‌نظر پلیس می‌تواند به جمع‌آوری دلایل ضروری پردازد و مانع از بین رفتن آثار و دلایل جرم و گسترش دامنه پیامدهای آن گردد (آشوری و سپهری ۱۳۹۲، ۴: ۶). تحت‌نظر قرار دادن در معنای اصطلاحی، زیر نظر داشتن و زیر نظر گرفتن و نگهداری کردن است که به موجب مقررات دادرسی کیفری به دنبال جلب و دستگیری متهم

اجرا می‌شود و عملاً مستلزم گرفتاری و توقیف و نگهداری وی می‌باشد. توقیف، سلب آزادی شخص را در بر دارد؛ لیکن در خصوص اجرای آن صرف دستور پلیس یا قاضی کیفری کافی است و چون دارای خصوصیات آرای قضایی نیست؛ لذا قابل اعتراض و تجدیدنظر هم نمی‌باشد (محمدی ۱۳۸۷، ۱۵۲: ۹ و ۱۰). متهم تحت نظر یعنی فردی که مورد ظن واقع شده و توسط پلیس و ضابطین دادگستری با اختیارات قانونی وفق مقررات تحت نظر قرار می‌گیرد و به نوعی آزادی او برای مدتی (حداکثر تا ۲۴ ساعت) به مخاطره می‌افتد و نوعی مجازات سالب حق در مورد وی اعمال می‌شود (وروائی، بهرامی‌پور و پراکوهی ۱۳۹۳، ۱۸). در نظام عدالت کیفری ایران ضوابط و مقررات تحت نظر قرار دادن مظنون یا متهم به ارتکاب یک جرم توسط ضابطین دادگستری در ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. این ماده مقرر داشته: «.....چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و بطور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند». تکلیف ضابطین دادگستری به اعلام فوری مراتب به دادستان نشان می‌دهد که اختیار ضابطین در نگهداری متهم به مدت ۲۴ ساعت مطلق نیست و در هر صورت ادامه تحت نظری از اختیارات دادستان است. پس مطابق مقررات کنونی آئین دادرسی کیفری ایران، مقدمه قرار گرفتن فرد در وضعیت تحت نظر (حداکثر تا ۲۴ ساعت) دستگیری وی در جریان یک جرم مشهود است (آشوری و سپهری ۱۳۹۲، ۴: ۶). سلب آزادی اشخاص بدون حکم محکومیت قطعی و تعارض آن با اصل برائت، مانع از تحت نظر قرار دادن متهم یا مظنون توسط پلیس برای انجام تحقیقات در موارد ضروری نخواهد بود؛ ولی بازداشت پلیسی باید محدود به زمان مشخص و رعایت

حقوق دفاعی متهم و تحت‌نظر مقام قضایی باشد و از این طریق با رعایت حقوق فرد تحت‌نظر، امنیت جامعه نیز تامین گردد و در تقابل آزادی اشخاص و امنیت اجتماع در مرحله تحت‌نظری با تعیین تکالیفی برای پلیس و حقوقی برای متهمین و مظنونین راه حل منطقی برگزیده شود. این مهم جز با ضابطه مند نمودن تحت‌نظری و تلقی آن بعنوان یکی از مراحل سرنوشت ساز فرایند کیفری میسر نخواهد شد، زیرا در شرایط مذکور است که می‌توان به ادله جمع آوری شده اتکاء نمود و آن را مستند احراز مجرمیت متهم قرار داد.

در برخی کشورها از جمله انگلستان پلیس در صورتی می‌تواند کسی را دستگیر و تحت‌نظر قرار دهد که مظنون به ارتکاب جرم یا در حال ارتکاب جرم است یا دلایل منطقی ظن آور علیه او وجود دارد که در حال ارتکاب جرم بوده یا قبلاً مرتکب جرم شده است. بازداشت از اختیارات افسر بازداشت می‌باشد. مأمور پلیس باید دلایل کافی برای متهم کردن فرد برای مدتی محدود که برای تحقیقات نیاز دارد، داشته باشد و الا می‌بایست بلافاصله متهم را بدون تامین نماید مگر اینکه بازداشت بدون اتهام فرد برای امنیت یا حفظ ادله مرتبط با جرم ضروری باشد (مواد ۲۴ و ۳۷ قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ اصلاحی به موجب قانون پلیس و جرم سازمان یافته ۲۰۰۵). ملاحظه می‌گردد مصادیق تحت‌نظری و اختیارات پلیس در انگلستان برای دستگیری و تحت‌نظر قرار دادن متهم یا مظنون بیش از اختیارات پلیس در کشورمان بوده به نحوی که بازداشت بدون اتهام توسط پلیس در برخی جرایم مهم نیز پذیرفته شده است.

۲- حق آزادی و امنیت شخصی و اصول دادرسی

حق آزادی و امنیت شخصی در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بعنوان یک حق بنیادی برای کلیه افراد مورد تصریح قرار گرفته است. پس هر کس حق آزادی دارد و دستگیری و یا بازداشت صرفاً به موجب قانون و از سوی مقام صالح امکانپذیر خواهد بود. احترام به حق آزادی

ایجاب می‌نماید که چنانچه فرد یا افرادی، مظنون یا متهم به ارتکاب جرمی شوند دارای حقوقی باشند و با رعایت آن حقوق مورد بازجویی، تحقیق و محاکمه قرار گیرند؛ چرا که تا زمان محکومیت قطعی در پناه اصل برائت قرار دارند. در همین راستا اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، قوانین اساسی و عادی کشورها ضمن مورد تأکید قرار دادن اصل آزادی و امنیت شخصی، رسیدگی به موضوعات کیفری را تابع اصول و ضوابطی قرار داده‌اند تا علاوه بر حمایت از حقوق افراد، در چارچوب معیارها و مولفه‌های دادرسی عادلانه و منصفانه اتهامات انتسابی به متهمین نیز رسیدگی شود. حق آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۲۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد و سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر تصریح شده است. در این اسناد هر جا به دستگیری و بازداشت اشاره شده، مطابق با قانون بودن آن و رعایت اصول اساسی دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم مورد تأکید قرار گرفته است. بررسی اسناد مذکور و قوانین داخلی برخی کشورها نشان می‌دهد که مرحله دستگیری و بازداشت پلیسی از اصول و قواعد دادرسی تبعیت می‌نماید و تابع اصول دادرسی منصفانه و عادلانه می‌باشد. اصول ناظر بر دستگیری و بازداشت در اصل ۳۲ قانون اساسی و قانون آئین دادرسی کیفری کشورمان نیز بیان شده است.

از زمان شروع مراحل مختلف فرایند کیفری شامل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و دادرسی، اشخاص متهم با پلیس و مقامات قضایی مواجه می‌شوند. این رویارویی مستلزم اتخاذ تدابیر حمایتی و پیش‌بینی حقوقی برای متهمین و تکالیفی برای ضابطین و

۱. «هیچ کس نمی‌تواند خودسرانه، توقیف، حبس یا تبعید شود».

۲. «هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچ کس نباید تحت بازداشت یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود، مگر در مواردی که قانون و مقررات حکم کنند».

مقامات قضایی است؛ زیرا حقوق متهم در سه مرحله: برخورد با نیروهای انتظامی، و بطور کلی ضابطان دادگستری، بازپرسی یا تحقیقات مقدماتی و سرانجام به هنگام رسیدگی نهایی در دادگاه ممکن است مورد تجاوز و تعدی قرار گیرد. حتی قانونگذار نیز ممکن است با وضع برخی قوانین مغایر با قانون اساسی و حقوق بشر به حریم حقوق متهم تجاوز نماید. اصل برائت ضروری می‌نماید که در هر یک از مراحل سه‌گانه فوق امکاناتی در اختیار متهم قرار گیرد و تکالیفی برای مسئولین منظور شود تا در نهایت، امکان صدور حکمی عادلانه را فراهم سازد (آشوری ۱۳۹۲، ۴۳). بنابراین ضرورت دارد اصول و مقرراتی حاکم بر مرحله تحت‌نظری و بازجویی پلیسی باشد تا در پرتو آن اصول حق آزادی و امنیت اشخاص و از دستگیری و بازداشت خودسرانه جلوگیری شود و چنانچه در فرایند دادرسی کیفری بعنوان متهم یا مظنون در بازداشت پلیسی قرار گیرند حقوق دفاعی آنان تضمین شود. این امر مستلزم تلقی نمودن مرحله تحت‌نظری و بازجویی پلیسی بعنوان یکی از مراحل فرایند کیفری و اعطای کلیه حقوق دفاعی به شخص تحت‌نظر در اداره پلیس همانند آنچه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین داخلی برخی کشورها بیان شده، خواهد بود.

۳- محدودیت‌گرایی در مصادیق تحت‌نظری

تحت‌نظر قرار دادن مظنون یا متهم به ارتکاب جرم در فرایند دادرسی کیفری از دیرباز پذیرفته شده است و با وجود شرایطی، پلیس می‌تواند، شخصی را که متهم یا مظنون به ارتکاب جرمی است برای جلوگیری از فرار، محو آثار و ادله جرم و انجام تحقیقات مقدماتی در همان مراحل اولیه کشف جرم تحت‌نظر قرار دهد. بازداشت متهم یا مظنون به ارتکاب جرم که در پناه اصل برائت قرار دارد به منظور حفظ نظم و امنیت جامعه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر نیز مقرر شده است، توسط مقام قضایی یا مرجع صلاحیتدار دیگری که به موجب قانون واجد این اختیار است، صورت می‌گیرد. بنابراین علاوه بر مقام قضایی تنها ضابطین دادگستری اجازه تحت‌نظر قرار

دادن متهم یا مظنون را دارند. مصداق اصلی و بارز تحت‌نظری مربوط به جرایم مشهود می‌باشد. به منظور عملیاتی شدن فرایند کشف جرم، قانونگذار اختیار و تکالیفی به ضابط دادگستری اعطاء کرده است. یکی از مهمترین اختیارات ضابط دادگستری، تحت نظر قرار دادن اشخاص است. ضابطان دادگستری بنا به ضرورت تحقیقات و مطابق با شرایط و تشریفات خاصی اختیار سلب آزادی اشخاص را به دست می‌آورند. در این موقعیت است که حقوق و آزادی‌های اشخاص رویاروی حقوق و منافع جامعه قرار می‌گیرد. هنر یک آئین دادرسی کیفری مطلوب، ایجاد تعادل میان این دو است (کوشکی و سهیل مقدم ۱۳۹۵، ۱۸۷:۹۴). ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری دو شرط را برای تحت‌نظر قرار دادن مظنون یا متهم قرار داده است یکی مشهود بودن جرم و دیگری ضرورت نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات. پس در فرایند دادرسی کیفری ایران، رعایت دو قید مشهود بودن جرم و احراز ضرورت شرط نگهداری یا تحت‌نظری در کلانتری است. قانونگذار با ذکر مصادیق جرایم مشهود در ماده ۴۵ احراز هر دو شرط را بر عهده ضابطین دادگستری قرار داده است. مصداق دیگری که ممکن است متهم تحت‌نظر ضابطین قرار گیرد مربوط به زمان جلب متهم می‌باشد. بنابراین هر چند اصل بر تحویل فوری متهم به مقام قضایی است اما اجازه تحت‌نظر قرار دادن متهم را تحت شرایطی که معمولاً ضابطین و پلیس آن شرایط را احراز می‌نمایند، وجود دارد (وروائی، بهرامی پور و پراکوهی ۱۳۹۳، ۴۷). اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای ممنوعیتی در خصوص دستگیری و بازداشت مظنونین یا متهمین به ارتکاب جرم قائل نشده‌اند. در این اسناد با بیان مصادیق کلی سلب آزادی افراد و تضمین حقوق بازداشت شدگان به نحوی نقش ارشادی در هدایت کشورها برای تصویب مقررات داخلی با در نظر گرفتن حق آزادی و امنیت جامعه و ایجاد تعادل بین آنها داشته‌اند؛ معمولاً رویه واحدی در خصوص مصادیق تحت‌نظری در قوانین کشورها وجود ندارد. لازم به ذکر

است در میان اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به صورت ویژه و به تفصیل به بیان مصادیق سلب آزادی اشخاص پرداخته است. بند C قسمت اول آن ماده مقرر داشته: « آنگاه که دلایل موجهی دال بر ارتکاب جرمی وجود داشته باشد و یا دلایل معقولی این تصور را به وجود آورد که ضروری است برای جلوگیری از ارتکاب جرم با ممانعت از فرار پس از ارتکاب جرم، شخصی را به منظور هدایت نزد مقام قضایی صالح دستگیر و زندانی کرد ». با این وصف مغایرت یا تعارضی بین مصادیق تحت‌نظری در قانون آئین دادرسی کیفری کشورمان با آن اسناد بنظر نمی‌رسد، ولی راجع به حقوق این افراد در زمان تحت‌نظر موضوع قابل بررسی است که در مباحث بعدی به آن پرداخته می‌شود. البته در قوانین داخلی برخی کشورها تفاوت‌هایی از حیث مقررات و مصادیق تحت‌نظر با مقررات کشورمان وجود دارد. از جمله ماده ۲-۶۲ آئین دادرسی کیفری فرانسه که مقرر داشته: « تحت‌نظر تدبیری الزام آور است که بر اساس تصمیم پلیس قضایی و تحت نظارت مقام قضایی، نسبت به فردی که علیه وی یک یا چند دلیل قابل قبول بر ظن به ارتکاب یا شروع به ارتکاب یک جنایت یا جنحه با مجازات حبس وجود دارد، اعمال می‌گردد. این تدبیر باید تنها شیوه برای تحقق حداقل یکی از اهداف زیر باشد: ۱- فراهم شدن امکان اجرای تحقیقاتی که نیازمند حضور یا مشارکت فرد است؛ ۲- تضمین حضور شخص نزد دادستان جمهوری (شهرستان) به گونه‌ای که این مقام قضایی نسبت به تداوم تحقیقات اطمینان حاصل نماید؛ ۳- ممانعت از ایجاد تغییرات در دلایل یا شواهد عینی موجود؛ ۴- ممانعت از اعمال فشار مرتکب بر شهود، قربانیان و همچنین خانواده یا نزدیکان ایشان؛ ۵- ممانعت از تبانی فرد با سایر افرادی که مظنون به معاونت یا مشارکت در جرم ارتكابی هستند؛ ۶- تضمین اجرا و به نتیجه رسیدن اقدامات و تدابیر طراحی شده جهت توقیف جنایت یا جنحه ». ملاحظه می‌گردد که مقررات مربوط به مصادیق

تحت نظری جامع تر و نظاممندتر از مقررات مشابه در قانون آئین دادرسی کیفری ایران است. از طرفی با توجه به اینکه تحت نظری یک اقدام سالب آزادی می‌باشد در فرانسه صرفاً در مورد جرایم با درجه جنایت و یا جنحه با مجازات حبس قابل اعمال می‌باشد؛ ولی در ایران تحت نظر قرار دادن مظنونین و متهمین از سوی ضابطین در کلیه جرایم بدون در نظر گرفتن نوع مجازات امکانپذیر است. در قانون آئین دادرسی کیفری کشورمان قانونگذار از ضابطه محدودیت گرایی در بازداشت پلیسی عدول نموده و صرف مشهود بودن جرم و ضرورت نگهداری متهم را بدون در نظر گرفتن نوع و میزان مجازات جرم انتسابی را برای تحت نظر قرار دادن متهم یا مظنون به ارتکاب جرم را کافی دانسته است در صورتیکه جهت جلوگیری از بازداشت‌های غیر ضروری و اینکه تحت نظری از تدابیر سالب آزادی و مغایر با حق آزادی و امنیت شخصی است می‌بایست اختیار پلیس به جرایم دارای مجازات حبس محدود شود.

۴- محدودیت زمانی در تدبیر تحت نظری

حق بر آزادی اشخاص و استثنایی بودن سلب آن طبق قانون، این تکلیف را ایجاب می‌نماید که اختیار ضابطین در تحت نظر قرار دادن محدود باشد. با این وجود ماهیت و نحوه ارتکاب بعضی جرایم و آسیبی که به امنیت جامعه وارد می‌کنند امکان تمدید مدت تحت نظری را ضروری می‌نماید. در کشورها، شرایط و مدت تحت نظری از سوی پلیس بسته به نوع جرم و تهدیدی که مظنون یا متهم به ارتکاب جرم نسبت به امنیت جامعه ممکن است ایجاد کند، متفاوت خواهد بود. بعنوان مثال در برخی کشورها از جمله انگلستان و فرانسه پلیس حتی برای احراز هویت می‌تواند افرادی را که هویتشان محرز نیست در اداره پلیس تحت نظر قرار دهد و در مورد مظنونین به جرایم تروریستی در انگلستان پلیس اختیار تحت نظر قرار دادن آنان را تا ۹۶ ساعت در اداره پلیس یا کلانتری بدون دستور مقام قضایی دارد. افسر پلیس می‌تواند در صورت وجود دلیل معقول مبنی بر اینکه یک جرم قابل دستگیری ارتکاب یافته است، و یا در

مواردی که مقررات کلی دستگیری وجود دارد، بدون قرار بازداشت اقدام به دستگیری نماید. همچنین پلیس می‌تواند شخصی را که در شرف ارتکاب یک جرم قابل دستگیری است، دستگیر نماید. «ظن» به عنوان یک وضعیت مشتمل بر حدس و گمان تعریف می‌شود، جایی که «اثبات» امکانپذیر نیست. محدودیت‌های زمانی مشخصی برای بازداشت مظنون بدون ایراد اتهام وجود دارند. در انگلستان پس از تصویب قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، پلیس ممکن است شخص دستگیر شده را برای مدت ۳۶ ساعت نگه دارد و این مدت می‌تواند تا ۱۲ ساعت دیگر جهت حفاظت و یا نگهداری از ادله توسط پلیس در مواردی که جرم یک جرم شدید قابل دستگیری بوده و یا جرم ممکن است منجر به صدمه شدید به امنیت ملی یا نظم عمومی، دخالت شدید در روند عدالت یا تحقیق در مورد جرم، مرگ یا صدمه بدنی یا کسب یا از دست دادن قابل توجه مال گردد، تمدید شود. چنانچه یک جرم قابل دستگیری ارتکاب یافته و مظنون برای مدت ۳۶ ساعت نگه داشته شده باشد، پلیس باید وی را نزد قضات صلح برده تا مدت نگهداری را حداکثر تا ۹۶ ساعت تمدید نماید (مهرا ۱۳۸۷، ۱۳۴، ۱۳۶ و ۱۴۲). در انگلستان وقتی مامور پلیس با درجه رئیس کلانتری یا بالاتر دلایل معقولی داشته باشد که: ۱- بازداشت متهم برای حفظ یا کسب ادله مرتبط با جرم ضروری است ۲- جرم جرمی قابل کیفرخواست باشد ۳- بازجویی در حال اجرا، مستمر و فوری باشد، می‌تواند تا ۳۶ ساعت بازداشت او را تمدید کند. پس از آن هم تمدید بازداشت تا ۳۶ ساعت دیگر میسر است، اما فقط دادگاه می‌تواند این اجازه را بدهد. البته مامور پلیس وظیفه دارد که دلایل تمدید بازداشت را به فرد اطلاع دهد و همچنین این دلایل را در سابقه بازداشت ضبط و ثبت کند. در خصوص محدود شدن تمدید به این دو بار و اساساً ایجاد محدودیت زمانی برای تحت‌نظری قرار دادن توسط پلیس انتقاداتی هم مطرح است. در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه نیز امکان تمدید مدت تحت‌نظر

متناسب با پیچیدگی و شدت جرم ارتكابی و ضرورت‌های تحقیق توسط مقام قضایی پیش‌بینی شده است. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در مورد مدت تحت‌نظری مطلبی بیان نموده‌اند و کشورها در قوانین داخلی خود، شرایط، مصادیق و مدت تحت‌نظری را مشخص کرده‌اند. با توجه به اینکه در شرایط تحت‌نظر، مانند وضعیت بازداشت موقت، آزادی فرد سلب می‌گردد، لازم است که مدت آن مشخص گردد. این مدت با توجه به شرایط خاص تحت‌نظر بسیار محدودتر از بازداشت موقت است.

مقررات تحت‌نظری در فرایند کیفری کشورمان به گونه‌ای دیگر است و مدت تحت‌نظری در کلیه جرایم یکسان و صرفاً برای ۲۴ ساعت بوده و این مدت غیر قابل تمدید می‌باشد. در قانون آئین دادرسی کیفری قانونگذار صرفاً یک مدت ثابت را که در همه جرایم و وضعیت‌ها یکسان است، تعیین نموده و درباره افزایش آن به تناسب جرم و شرایط خاص آن سکوت کرده است. در ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری ایران آمده است که در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت‌نظر قرار دهند. قانونگذار ایرانی در خصوص استمرار نگهداری تحت‌نظر ساکت است و سرنوشت مظنون را در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی او، به نظر مقام قضایی موکول کرده است و مطلقاً در مورد امکان تمدید مدت تحت‌نظر در اماکن نگهداری پلیس مقرراتی وضع ننموده است (آشوری و سپهری ۱۳۹۲، ۱۰ و ۱۱:۶).

بنابراین با وجود اینکه ماهیت و نحوه ارتكاب برخی جرایم امکان تمدید مدت تحت‌نظری را ضروری می‌نماید؛ ولی مدت تحت‌نظر در ایران با توجه به تصریح ماده ۴۶ و اینکه ماده ۱۸۹ آن قانون بازپرس را مکلف نموده حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت‌نظر قرار گرفتن متهم تحقیقات مقدماتی را شروع کند و در تبصره ماده مذکور نیز تحت‌نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود بازداشت غیرقانونی محسوب می‌شود؛ فلذا

مدت زمان تحت‌نظری در ایران ۲۴ ساعت می‌باشد و تمدید آن نه از سوی ضابطین و نه توسط مقام قضایی تجویز نشده است. ماده ۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری اعلام ضرورت نگهداری فرد در تحت‌نظر قرار دادن او باید حداکثر طی ۱ ساعت پس از تحت‌نظر قرار دادن فرد به دادستان اعلام شود (خالقی ۱۳۹۴، ۶۵). چنانچه متهم در خارج از وقت اداری تحت‌نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف ۱ ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اطلاع داده شود (ماده ۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری). نکته قابل توجه که از دید قانونگذار کشورمان مغفول مانده است یکی مربوط به زمان محاسبه بازداشت بوده و دیگر اینکه مشخص ننموده که آیا زمانی که متهم نیاز به مراقبت و معاینه در بیمارستان دارد داخل در مدت ۲۴ ساعت می‌باشد یا خیر؟ در انگلستان، زمان محاسبه ۲۴ ساعت، یکی زمانی است که فرد در کلانتری حاضر می‌شود و دیگری زمان دستگیری فرد خواهد بود. اگر شخص تحت‌نظر به مراقبت و معاینه پزشکی در بیمارستان نیاز داشته باشد و در مسیر رفت و برگشت مامور پلیس از او در راستای جمع‌آوری ادله بازجویی کند این زمان نیز داخل در مدت ۲۴ ساعت می‌باشد و اگر بعد از ۲۴ ساعت دلیلی برای متهم کردن فرد تحت‌نظر وجود نداشته باشد، باید بلافاصله آزاد شود و امکان دستگیری مجدد فرد برای همان جرم بدون ادله جدید وجود ندارد (ماده ۴۱ قانون پلیس و ادله کیفری انگلستان). تحقیقات نشان می‌دهند که در موارد بسیاری عدم قطعیت وجود دارد و به این جهت پیشنهاد می‌دهند که زمان سنج (احتساب زمان) باید متوقف شود. گاه به دلایلی چون مستی، نیاز به استراحت یا معاینه پزشکی یا دریافت مشاوره حقوقی تحقیقات پلیسی به تاخیر می‌افتد و قانون پلیس و ادله کیفری و آئین نامه اجرایی مربوطه بر پلیس فشار زیادی به جهت تسریع در رسیدگی وارد می‌کند. البته ماده ۴۱ در بند ۶ خود فقط زمانی که فردی به بیمارستان انتقال داده می‌شود اجازه توقف محاسبه زمان را می‌دهد، اما موارد دیگر را پیش‌بینی

نمی‌کند (اسکینز ۲۰۱۰، ۳۰۴ و ۳۰۵). با این وصف تحول‌گرایی در تدبیر تحت‌نظری در حقوق کیفری کشورمان مستلزم انجام اصلاحات در مقررات مربوط به این مرحله حساس از فرایند کیفری با پیش‌بینی حقوق دفاعی متهم می‌باشد تا در صورت ضرورت به تمدید مدت تحت‌نظری در جرایم مهم حقوق متهم تامین گردد و در زمانی که متهم تحت مراقبت و معاینه پزشکی است و تحت بازجویی پلیس قرار ندارد، جز مدت ۲۴ ساعت احتساب نگردد.

۵- تحت‌نظری و حقوق دفاعی

این مرحله از بازداشت به دلیل شرایط خاص حاکم بر آن، نسبت به حقوق مظنون در مقایسه با دیگر مراحل دادرسی کیفری، بیشتر در معرض تضییع قرار می‌گیرد، به طوری که در برخی موارد، سرنوشت دعوای کیفری در همین مدت نسبتاً کوتاه که وی در اختیار پلیس است مخصوصاً در جرایم معمولی (عام) رقم می‌خورد بنابراین لازم است حقوق دفاعی متهم به نحو مطلوبی رعایت شود و مقررات مربوط به حقوق دفاعی به صورت دقیق پیش‌بینی گردد. هرچند نگهداری متهم یا مظنون در قانون آئین دادرسی کیفری کشورها و برخی اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر به منظور انجام تحقیقات و سرعت در جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از محو آثار و ادله بیان شده است؛ ولی پذیرفتن آن بعنوان یکی از مراحل فرایند دادرسی کیفری مستلزم تضمینات لازم و رعایت حقوق متهمین یا مظنونین می‌باشد؛ فلذا احترام به حقوق این افراد در زمان تحت‌نظری و منع بازداشت یا دستگیری خودسرانه آنان امری ضروری است. حقوق اشخاص تحت‌نظر و مظنون که به صورت کلی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مقرر شده، برخی مربوط به زمان دستگیری و بازداشت و بعضی دیگر راجع به زمان بازجویی می‌باشد که هر کدام شایسته بررسی است.

۵-۱- حقوق افراد تحت نظر در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

بررسی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر حقوق و استانداردهای ویژه‌ای را برای افراد دستگیر یا توقیف شده پیش‌بینی نموده‌اند در این اسناد بدون در نظر گرفتن زمان توقیف یا دستگیری و بطور کلی با عنوان افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان که آزادی آنان سلب گردیده، حقوقی را برای آن افراد تعیین نموده است. نخستین گام در بین‌المللی شدن حقوق بشر، تدوین اعلامیه جهانی در سال ۱۹۴۸ بود. این اعلامیه به طور خاص از مظنون سخن نمی‌گوید؛ لیکن پاره‌ای مقررات آن که بیشتر به حقوق شخص مورد تحقیق کیفری مربوط است عبارتند از: حق بر آزادی، حق بر عدم تبعیض، حق دسترسی به یک دادگاه برای جبران نقض حقوق مورد حمایت و حمایت در برابر دستگیری یا بازداشت خودسرانه. طبعاً این مقررات اگر چه مختصر و کلی است اما سنگ بنای شکل‌گیری هنجارهای مفصل‌تر در قالب اسناد حقوقی الزام‌آور بعدی است (فضائلی ۳۶۲، ۱۳۹۲). سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر ابتدا حق آزادی فردی در ارتباط با موضوعات کیفری و غیر آن را تحت عنوان یک حق اساسی مورد تصریح قرار داده‌اند که در این راستا ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ کنوانسیون آفریقایی و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی قابل ذکر است. بر همین اساس و با توجه به اهمیت حق آزادی مقررات و شرایط ویژه‌ای راجع به کسانی که دستگیر یا بازداشت می‌شوند در اسناد فوق مقرر شده است. بند ۲ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد: « هر فردی که توقیف می‌شود باید در زمان توقیف از دلایل توقیفش آگاه شود و سریعاً از اتهامات علیه خود مطلع شود ». بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص حقوق اشخاص در زمان تحقیق بیان داشته: « در موردی که قرار است شخص مجرم که مشمول صلاحیت این دیوان است مطابق ترتیبات مقرر در بخش نهم توسط دادستان و یا مراجع مسئول داخلی مورد بازجویی قرار گیرد، آن شخص

دارای حقوق ذیل است که باید قبل از بازجویی از آن حقوق مطلع شود: الف- قبل از بازجویی مطلع شود که قرائنی مبنی بر ارتکاب یکی از جرایم در محدوده صلاحیت دیوان توسط وی وجود دارد. ب- می‌تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه آن سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی وی داشته باشد. ج- می‌تواند از مساعدت‌های حقوقی که به او اختصاص می‌یابد استفاده نماید. بدیهی است در صورتی که اجرای عدالت ایجاب نماید که مساعدت‌های حقوقی به وی داده شود اما او قادر به تأمین هزینه‌های آن نباشد، آن مساعدت‌ها به صورت رایگان به او ارائه خواهد شد. د- بازجویی از وی در حضور وکیل صورت می‌گیرد مگر آنکه خود وی از این حق صرف‌نظر نماید» (شریعت باقری ۱۳۹۳، ۸۶). ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با صراحت بیشتری نسبت به سایر اسناد به موضوع آزادی جسمانی فرد و حقوق اشخاص دستگیر شده یا بازداشتی پرداخته است. بندهای ۲ تا ۵ آن مقرر نموده: «هر شخص بازداشتی باید در کوتاهترین مهلت و به زبانی که برای او قابل درک باشد از دلایل دستگیری و اتهامات وارد بر خود مطلع شود؛ هر کس که در شرایط مندرج در بند C این ماده دستگیر یا بازداشت شود باید بلافاصله نزد یک قاضی یا مقام قضایی که قانوناً صلاحیت اقدامات قضایی را داشته باشد، مشایعت شود. شخص مذکور حق دارد در یک مهلت معقول محاکمه شود و یا طی روند دادرسی (تا زمان محاکمه) آزاد گردد. آزاد کردن متهم می‌تواند موکول به ارائه تأمین شود که حضور او در جلسه رسیدگی را تضمین کند؛ هر کس که بر اثر دستگیری یا بازداشت از آزادی خود محروم شود حق دارد به یک دادگاه شکایت کند تا نسبت به قانونی بودن بازداشت او اتخاذ تصمیم شود و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت، دادگاه دستور آزادی شخص بازداشت شده را صادر کند؛ هر کس که بر اثر دستگیری یا بازداشت در شرایطی مغایر با مقررات این ماده بزه‌دیده (متضرر) شود حق دریافت جبران خسارت را خواهد داشت». نحوه

نگارش ماده ۵ این ذهنیت را القاء می‌نماید که حمایت‌های اعلام شده مربوط به متهمین بازداشت شده می‌باشد؛ لیکن آراء صادره و تفسیرهای صورت گرفته از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر تضمین‌های مقرر شده هرگونه سلب آزادی از سوی پلیس یا مقام قضایی را شامل می‌شود. فراتر از این، حمایت موضوع ماده ۵ کنوانسیون آنگاه که شخصی خود را داوطلبانه به پلیس معرفی می‌کند نیز موضوعیت خود را از دست نمی‌دهد. « از منظر کنوانسیون حق برخورداری از آزادی در یک جامعه دموکراتیک از چنان اهمیت به سزایی برخوردار است که حتی با مراجعه یک نفر به پلیس و تسلیم خود نیز مخدوش نمی‌شود. بازداشت حتی در موردی که شخص خود پذیرای آن باشد نباید منجر به نقض ماده ۵ کنوانسیون گردد ». بدون تردید، حبس بیست و چهار ساعته در یک بازداشتگاه سلب حقیقی آزادی محسوب می‌شود (پرادل، کورستنز و فرملن ۱۳۹۳، ۴۷۶ و ۴۷۷). اهمیت حقوق افرادی که تحت بازداشت قرار می‌گیرند به حدی بوده است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۱۷۳/۴۳ مورخه ۹ دسامبر ۱۹۸۸ مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان را تصویب نموده این حمایتها در ۳۹ اصل بیان شده و در تبصره عام آن مقرر شده است، هیچ یک از اصول این مجموعه نباید در جهت کاستن یا محدود نمودن حقوق تعریف شده در « میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی » تفسیر شود. با این اوصاف آنچه در اسناد فوق مورد تصویب قرار گرفته حمایت و اعطای برخی حقوق مصرحه به افرادی است که به نحوی در بازداشت قرار گرفته‌اند خواه مرجع بازداشت پلیس بوده یا مقام قضایی باشد. قانون آئین دادرسی کشور ما نیز با تصویب مقررات جدید در خصوص متهم یا مظنون تحت‌نظر تلاش نموده است تا تدابیر و استانداردهای بین‌المللی اتخاذ شده در مورد افرادی که از سوی ضابطین دستگیر یا بازداشت می‌شود را اعمال

نماید. در مطالب آتی با بررسی تطبیقی دنبال این نکته هستیم که قانون آئین دادرسی کیفری تا چه حد در رسیدن به اهداف خود گام برداشته شده است.

۵-۲- حقوق افراد تحت نظر در ایران

عدالت اقتضاء می‌کند اشخاصی که تحت عنوان مظنون یا متهم دستگیر یا تحت نظر قرار می‌گیرند از حقوق دفاعی برخوردار باشند و از علت و دلایل توقیف خود آگاهی داشته باشند. چرا که اصل براءت و نتایج آن چنین اقتضایی دارد. بدین جهت کشورها با الهام از اسناد و مقررات بین‌المللی برای رعایت حقوق افراد تلاش نموده‌اند تا مرحله تحت نظر که در مراحل ابتدایی و بعد از کشف جرم می‌باشد را به عنوان یکی از مهمترین مراحل فرایند کیفری لحاظ کنند و مظنون یا متهم دستگیر شده یا تحت نظر را واجد کلیه حقوق دفاعی و تضمینات لازم بدانند. قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحولات گسترده‌ای را در مرحله تحت نظر فرایند کیفری ایجاد نمود، اما تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله دارد. عدم رعایت اصول بنیادین دادرسی کیفری و بی توجهی ضابطین به حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر بر خلاف قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه فاقد ضمانت اجرای بطلان تحقیقات انجام شده در این مرحله می‌باشد، در صورتیکه پیش بینی ضمانت اجرای مذکور و در معرض بطلان قرار دادن بازجویی پلیسی در زمان تحت نظری، می‌تواند ضابطین را متعهد به انجام وظایف خود و رعایت دقیق حقوق افراد تحت نظر نماید که این ضمانت اجرا در قانون آئین دادرسی کیفری ایران پیش بینی نشده است. سؤالی که قبل از بررسی حقوق افراد مذکور در مرحله تحت نظر در اداره پلیس به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا قانون آئین دادرسی کیفری به صورت تمام و کمال حقوق افراد تحت نظر را منطبق با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای پیش‌بینی نموده است یا خیر؟ و یا بطور کلی رویکرد قانونگذار ما در قبال اشخاص تحت نظر و حقوق آنان چگونه است؟ آیا قانون آئین دادرسی کیفری مرحله تحت نظری را بعنوان یکی از مراحل فرایند کیفری لحاظ نموده یا صرفاً آن مرحله را

مربوط به ضابطین دانسته است؟ البته پذیرش مرحله تحت‌نظر بعنوان یک مرحله مهم از فرایند کیفری مستلزم پیش‌بینی کلیه حقوق دفاعی متهم در آن مرحله و حذف محدودیت‌های مربوط به حق دفاع می‌باشد.

۵-۲-۱- آگاهی از حقوق مندرج در قانون

ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم تحت‌نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت‌نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند». با توجه به اینکه حقوق مربوط به شخص تحت‌نظر در قانون به طور مشخص تعریف نشده، بهتر بود مانند رویه مقنن فرانسوی که بعد از اصلاحات قانونی ۲۰۱۱ صورت گرفته، این حقوق بطور مشخص در یک ماده تعریف و بیان می‌گردید (آشوری و سپهری ۱۳۹۲، ۱۵ و ۱۶: ۶). بنابراین شخصی که دستگیر و تحت‌نظر قرار می‌گیرد حق دارد که از حقوق خود و چگونگی استفاده از آن آگاه گردد. وظیفه و تکلیف اطلاع‌رسانی بر عهده ضابطین دادگستری است. حق آگاهی از حقوق خویش در اصل ۱۳ از مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان مصوب ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد نیز بدین نحو بیان شده است: «هر فردی باید به هنگام دستگیری و در شروع بازداشت یا زندان بلافاصله پس از آن، به وسیله مقام مسئول دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن وی، اطلاعات و توضیحاتی درباره حقوق خویش و نحوه استفاده و اعمال این حقوق دریافت کند». علی‌رغم پیش‌بینی و تصریح ماده ۵۲ ق.آ.د.ک در عمل چنین تکلیفی در کالنتری‌ها و مراجع انتظامی انجام نمی‌شود و رعایت حق مذکور مستلزم آموزش ضابطین و تهیه اوراق چاپی حاوی کلیه حقوق افراد تحت‌نظر می‌باشد تا به محض شروع تحت‌نظری با اخذ رسید به مظنون یا متهم تحویل گردد تا از کلیه حقوق خود آگاهی یابند.

۵-۲-۲- حق آگاهی از اتهام و ادله آن (علت دستگیری) به زبان قابل فهم

حق آگاهی یا کسب اطلاع از علل و جهات دستگیری پیش شرط ضروری هرگونه دفاع محسوب می‌گردد. بنابراین، مظنون یا متهم پیش از شروع تحقیقات حق دارد بداند چرا و به کدام جرم متهم است. قوانین کشور ما حق آگاهی را در تمام مراحل رسیدگی محترم شمرده و رعایت آن را به عنوان تفهیم اتهام به مقامات انتظامی (ضابط دادگستری) و قضایی تکلیف نموده است (اردبیلی، ۱۳۸۸، ۲۱۲). به موجب اصل ۳۲ قانون اساسی ایران، «در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود». ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری نیز در این خصوص مقرر داشته: «.....چنانچه در جرایم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند.....». ماده مذکور تنها به تفهیم اتهام در جرایم مشهود، در صورتی که نگهداری شخص برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، اشاره نموده و شایسته بود به جرایم غیر مشهود نیز به جهت تضمین بیشتر حقوق شخص اشاره می‌شد. لیکن با توجه به مواد ۶۱ و ۱۹۵ قانون مذکور که به تفهیم اتهام بدون تفکیک میان جرایم مشهود و غیرمشهود پرداخته است، چنین برداشت می‌شود که تفهیم اتهام در جرایم غیرمشهود هم جاری است (کوشکی و سهیل مقدم ۱۳۹۵، ۲۰۴:۹۴). به نظر می‌رسد تکلیف ضابطین به تفهیم اتهام و ادله آن بلافاصله بطور کتبی در جرایم مشهود طبق ماده ۴۶ ق.آ.د.ک به لحاظ تحت نظر قرار گرفتن متهم یا مظنون توسط ضابطین بوده است و در جرایم غیر مشهود

۱- «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.»

۲- «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند.....»

که کلیه اقدامات ضابطین به دستور مقامات قضایی است، ضرورتی به تفهیم اتهام و ادله آن به متهم نیست و این وظیفه و تکلیف مقام قضایی می‌باشد. بر همین اساس قانونگذار تفهیم اتهام در جرایم غیرمشهود را از سوی ضابطین ضروری ندانسته است. حق آگاه شدن فرد مظنون یا متهم تحت‌نظر از اتهام و دلایل آن در قانون آئین دادرسی کیفری منطبق با مقررات بین‌المللی است به نحوی که اصل ۱۰ از مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان مقرر نموده: «فردی که دستگیر می‌شود باید در زمان دستگیری از علت دستگیری خویش مطلع شود و بلافاصله از هرگونه اتهامی بر علیه خویش آگاه گردد». حق مذکور در بند ۲ ماده ۹ و شق الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۵ و شق الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان شده است. در مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به حق مطلع شدن از دلایل دستگیری و بازداشت مقدماتی پرداخته نشده، و این موضوع به طور مشخص در هیچ یک از مواد آن نیامده است؛ لیکن می‌توان گفت با توجه به مقررات ماده ۵۸ این اساسنامه راجع به شروط مربوط به قرار دستگیری و چگونگی اجرای آن، و لزوم اشاره به جرایمی که به خاطر آن قرار دستگیری صادر شده، و بیان کلی وقایع و عناصر تشکیل دهنده جرم همه حاکی از امکان استدلال برای وجود اطلاع از دلایل دستگیری است. این در حالی است که قواعد آئین دادرسی و ادله اثبات دیوان، ما را از توسل به چنین استدلالی بی‌نیاز می‌کند، زیرا در قاعده ۱۱۷ به صراحت از حق مظنون به دریافت نسخه‌ای از قرار دستگیری سخن می‌گوید که از سوی شعبه مقدماتی صادر می‌شود و حاوی اطلاعات یاد شده است (فضائلی ۱۳۹۲، ۳۹۱). اطلاع‌رسانی به متهم از علت تحت‌نظر باید از ابتدای تحت‌نظر توسط ضابطان صورت گیرد و این منطبق با اصل و قاعده است که متهم باید بلافاصله از اتهام خود آگاه شود. بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به صراحت حق مذکور را از اولین لحظه دستگیری که

ناظر به تحت نظر است به رسمیت می‌شناسد و حتی آن را به بازداشت‌هایی که به منظور کنترل هویت صورت می‌پذیرد نیز توسعه داده است (آشوری و سپهری ۱۳۹۲، ۱۶:۶). تفهیم اتهام و ادله آن به فرد تحت نظر باید با زبان قابل فهم باشد این موضوع در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. اصل ۱۴ از مجموعه اصول برای حمایت افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان در این راستا بیان داشته: «فردی که آشنا به زبان مقامات مسئول دستگیری، بازداشت یا زندان خویش نیست یا به آن زبان سخن نمی‌گوید، حق دارد که بلافاصله اطلاعات مذکور در اصل ۱۰، بند دوم اصل ۱۱، بند اول اصل ۱۲ و اصل ۱۳ را به زبانی که با آن آشنایی دارد دریافت کند و در صورت لزوم از مساعدت مترجم در جریان رسیدگی قضایی به پرونده خویش به صورت رایگان بهره‌مند گردد». هرچند حق آگاهی به زبان قابل فهم برای متهم یا مظنون در مقررات مربوط به تحت نظری در قانون آئین دادرسی کیفری ذکر نگردیده، ولی می‌توان از ملاک مواد ۶۱ و ۲۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری این تکلیف را نیز جزء تکالیف پلیس تلقی نمود. حق آگاهی متهم و مظنون صرفاً اتهام و ادله آن را در بر می‌گیرد و اشاره‌ای به محل و مدت تحت نظری نشده است.

۵-۲-۳- حق سکوت

حق سکوت یکی از مناقشه‌انگیزترین حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود. مسئله این است که آیا متهم حق دارد از پاسخ به پرسشهای مقامات صلاحیتدار از جمله ضابط دادگستری در ضمن بازجویی خودداری کند؟ آیا این سکوت به معنی انکار است؟ آیا می‌توان این سکوت را به ضرر متهم تفسیر نمود؟ در روزگار ما اکثر نظام‌های دادرسی کیفری پذیرفته‌اند که متهم حق دارد آزادانه از قدرت خود برای پاسخگویی یا امتناع از آن استفاده کند (اردبیلی ۱۳۸۸، ۲۱۴). در اسناد بین‌المللی از جمله بند ۳ ماده ۱۴، مواد ۵۵ و ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سایر اسناد منطقه‌ای مقرر شده که (متهم مجبور نیست علیه خود شهادت دهد و یا اقرار به جرم نماید و می‌تواند سکوت اختیار

کند بدون اینکه این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی او داشته باشد). مبنای اصلی حق سکوت را باید در فرض بی‌گناهی جستجو کرد بر این اساس، الزام مقام تعقیب به ارائه دلیل اتهام و عدم الزام متهم به ارائه دلیلی مبنی بر بی‌گناهی خود، وی را از حق سکوت بهره‌مند می‌کند. متهم در پناه فرض یاد شده، بی‌گناه انگاشته می‌شود و مدعی مجرمیت باید دلایل خود را ارائه کند. یا ناتوانی از ارائه دلیل را نمی‌توان با سکوت متهم جبران کرد (رحمدل ۱۳۸۵، ۱۸۵: ۵۶ و ۵۷). ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری در این خصوص مقرر نموده: « متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود ». حق سکوت از اصل کلی ممنوعیت اجبار اشخاص به اقرار که در اصل ۳۸ قانون اساسی ایران نیز به آن تصریح شده و از اصل برائت نشئت می‌گیرد. البته در قانون آئین دادرسی کیفری درباره حق سکوت و تکلیف ضابط دادگستری به تفهیم آن به متهم در وضعیت تحت‌نظر بحث نشده و ماده اشاره شده نیز عملاً مربوط به شروع به تحقیقات و اولین جلسات بازجویی از سوی قاضی تحقیق است و می‌توان گفت که مرحله تحت‌نظر را در بر نمی‌گیرد (آشوری و سپهری ۱۳۹۲، ۲۷ و ۲۸:۶). با توجه به ماده ۶۱ قانون آئین دادرسی کیفری مبنی بر حاکم بودن مقررات تحقیقات مقدماتی در مرحله کشف جرم و نیز این واقعیت که مرحله تحقیقات مقدماتی ویژگی خاصی ندارد که حق سکوت را تنها مختص این مرحله بدانیم، از زمان آغاز فرآیند دادرسی کیفری تا انتها این حق وجود دارد (کوشکی و سهیل مقدم ۱۳۹۵، ۲۰۵: ۹۴). بنظر می‌رسد نظر به اینکه ماده ۵۲ قانون مذکور در باب تکلیف ضابطان به آگاه‌سازی و تفهیم حقوق اشخاص تحت‌نظر صراحتاً به حقوق مندرج در قانون راجع به شخص تحت‌نظر اشاره نموده و ماده ۶۱ آن قانون نیز در خصوص نحوه انجام وظایف ضابطین در روند تحقیقات می‌باشد و حق سکوت بعنوان یکی از حقوق پیش‌بینی شده برای متهمین یا

مظنونین تحت نظر بیان نشده است، نمی‌توان این حق را جزء حقوق اشخاص تحت نظر قلمداد نمود. در صورتی که پیش‌بینی حق سکوت در مرحله کشف جرم، امری ضروری بود که مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است. نکته دیگر در مورد حق سکوت، اطلاع رسانی این حق به متهم یا مظنون تحت نظر می‌باشد و اینکه ضابطین می‌بایست حق مذکور را به اطلاع متهم برسانند. در قانون آئین دادرسی کیفری ایران نه ضابطین و نه قضات تکلیفی به تفهیم حق سکوت به متهمین ندارند و از این جهت قانون ساکت است. نظر به اینکه در اسناد بین‌المللی از جمله بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این تضمین پیش‌بینی شده که متهم مجبور نیست علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن خود اعتراف کند و در شق ۷ از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان صراحتاً حق سکوت پیش‌بینی گردیده و مقرر شده متهم می‌تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه سکوت وی به منزله اعتراف یا انکار تلقی شود و از لوازم اولیه این حق اطلاع‌رسانی آن به متهم بویژه در مراحل اولیه فرایند کیفری است، ضروری است که حق سکوت در مرحله تحت نظر در اصلاحات قانون آئین دادرسی کیفری مدنظر قرار گرفته و ضابطین نیز مکلف به اطلاع رسانی و تفهیم آن به متهم یا مظنون تحت نظر باشند.

۵-۲-۴- حق استفاده از معاضدت وکیل

این حق از چنان جایگاهی برخوردار است که در اصل ۳۵ قانون اساسی به آن اشاره شده است و با توجه به اطلاق این اصل نیاز به هیچ تفسیری برای اینکه وکیل باید در کدام یک از مراحل حضور داشته باشد نیست. برای نخستین بار قانون آئین دادرسی

۱- «در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

کیفری به صراحت اجازه حضور و کیل شخص تحت‌نظر را در ماده ۴۸ در مرحله تحقیقات پلیسی پیش‌بینی کرده است. حق دسترسی به و کیل و معاضدت حقوقی، حقی مستمر است. اگر فرد در ابتدا استفاده از این حق را رد کرد، می‌تواند در ادامه و هر زمانی که نیاز داشت تقاضای و کیل و مشاور حقوقی کند (هادسون ۲۰۰۴، ۱۶۷) ماده مذکور حق تقاضای و کیل را با شروع تحت‌نظر قرار گرفتن به رسمیت شناخته و نیز برای ملاقات، مدت زمانی تعیین کرده است. ولی با الزام به انتخاب و کیل از بین و کلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه در جرایم مذکور در تبصره شخص با نوعی محدودیت رو به رو خواهد شد، زیرا متهم می‌بایست و کیل خویش را از میان کسانی انتخاب کند که به تأیید رسیده باشند، در غیر این صورت از حق داشتن و کیل محروم خواهد شد (کوشکی و سهیل مقدم ۱۳۹۵، ۲۰۵ و ۲۰۶:۹۴). حق دسترسی بازداشت شدگان به و کیل بعنوان یک حق اساسی در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر کنوانسیون‌های منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی که حق دسترسی به و کیل را در کلیه فرایند کیفری مورد تصریح قرار داده‌اند. بند ۱ از اصول ۱۷^۲ و ۱۸^۱ مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه

۱- «با شروع تحت‌نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور و کیل نماید. و کیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت‌نظر ملاقات نماید و و کیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

تبصره- در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا، و کیل یا و کلای خود را از بین و کلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نماید. اسامی و کلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد».

۲- «فرد در بازداشت حق دارد که و کیل مدافع قانونی داشته باشد. وی باید بلافاصله پس از دستگیری، به وسیله مقامات صلاحیت‌دار از حق خویش مطلع شود و از تسهیلات معقول و مناسب برای استفاده از این حق برخوردار گردد».

بازداشت یا زندان صراحتاً حق همراهی و داشتن وکیل و ارتباط با او و اعلام این حق را به شخص بازداشت شده، بیان نموده‌اند. همچنین اصل ۷ اصول بنیادین نقش و کلا نیز در این راستا مقرر داشته: «بعلاوه دولت‌ها باید تضمین کنند که همه افراد در بازداشت یا توقیف شده چه متهم به جرم کیفری باشند و یا نباشند، دسترسی فوری به وکیل را داشته و این در هیچ موردی نباید بعد از ۴۸ ساعت از زمان بازداشت باشد». ملاحظه می‌شود که حق دسترسی به وکیل بلافاصله پس از تحت نظر قرار گرفتن از حقوق پذیرفته شده در اسناد بین‌المللی بوده و همواره مورد تأکید قرار گرفته است و جز زمان ملاقات و مشاوره به طور کاملاً محرمانه فرد بازداشت شده با وکیل که در شرایط و موارد استثنائی می‌تواند با محدودیت‌هایی مواجه شود و در بند ۳ اصل ۱۸ از اصول فوق‌الذکر نیز مقرر شده است. محدودیت دیگری در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مشاهده نمی‌گردد. با این وصف در مقایسه مقررات مربوط به حضور وکیل در مرحله تحت نظر مندرج در ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری با اسناد مذکور نکاتی قابل ذکر است. ۱- آیا ضابطين تکلیفی به اعلام نمودن حق متهم مبنی بر درخواست حضور وکیل به او را دارند یا خیر؟ در صورت درخواست متهم تحت نظر به حضور وکیل آیا ضابطين تکلیفی به منتظر ماندن برای حضور وکیل دارند یا اینکه باید تحقیقات خود را شروع نمایند؟ در پاسخ به سؤالات فوق ابتدا نظریه شماره ۷/۹۴/۹۷۶ - ۱۳۹۴/۴/۲۰ اداره کل حقوقی قوه قضائیه را بیان می‌نماییم. این نظریه مقرر داشته: «اگر چه از متن ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «حق متهم» مبنی بر درخواست حضور وکیل استنباط می‌گردد، نه «تکلیف ضابطان» مبنی بر اعلام این حق به او، لیکن باید توجه داشت که تکلیف ضابطان به این امر از مواد ۶ و ۵۲ آن قانون ناشی می‌شود و رعایت مقررات ماده ۵۲ مبنی بر تکلیف به تفهیم داشتن حق وکیل در مورد متهمی

هم که به دستور مقام قضایی جلب شده، ضروری است؛ چرا که تبصره ماده ۱۸۵ قانون فوق‌الذکر به صراحت رعایت مقررات مواد ۴۹ تا ۵۳ آن قانون را در خصوص متهمان این ماده الزامی دانسته است. از اطلاق عبارت صدر ماده ۴۸ مبنی بر «با شروع تحت‌نظر قرار گرفتن» نیز چنین استنباط می‌گردد که برخوردارگی از این حق، شامل تمامی متهمین تحت‌نظر، اعم از اینکه در جرایم مشهود باشد یا در راستای جلب از سوی مقام قضایی می‌شود. ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم تحت‌نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلف هستند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت‌نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند». مواد ۵ و ۶ این قانون به عنوان اصول راهبردی آئین دادرسی کیفری حق مطلع شدن متهم از موضوع و ادله اتهام انتسابی و همچنین حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی و آگاهی از این حقوق را در سراسر فرآیند دادرسی مورد توجه قرار داده است. بی‌تردید مرحله کشف جرم (پلیس) با توجه به پیش‌بینی حقوق قابل توجه برای متهم و شاکی جز جدایی ناپذیر فرآیند کیفری محسوب شده و ضابطان دادگستری را مکلف به رعایت این حقوق می‌کند. مطابق ماده ۶۱ قانون آئین دادرسی کیفری تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات مقدماتی مقرر است. بدین ترتیب با توجه به اینکه برخوردارگی از وکیل به منزله یکی از تضمین‌های دادرسی منصفانه باید توسط بازپرس به متهم تفهیم شود (ماده ۱۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری). بنابراین ضابطان مکلف به تفهیم چنین حقی به شخص تحت‌نظر هستند، عدم تفهیم این حق توسط ضابطان دادگستری در شروع تحت‌نظر در قانون آئین دادرسی کیفری با ضمانت اجرا همراه نبوده و ضابطان را حتی با محکومیت موقت از انفصال خدمت موضوع ماده ۱۶۳^۱ این قانون مواجه نمی‌سازد با این همه عدم تفهیم

۱- «تخلّف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)

این حق توسط ضابطان دادگستری را می‌توان از جمله مواردی دانست که لطمه اساسی به حقوق و منافع متهم وارد می‌سازد و از این رو می‌توان اقدام‌ها و تحقیقات ضابطان را بدون رعایت تفهیم این حق اساسی بی‌اعتبار دانست (ساقیان ۱۳۹۳، ۱۰۷ و ۱۰۸:۱). بنظر می‌رسد با توجه به حقوق پیش‌بینی شده برای اشخاص تحت نظر در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و اینکه حق داشتن وکیل از مهم‌ترین این حقوق می‌باشد، پلیس مکلف به تفهیم حق مزبور همانند سایر حقوق متهم به ایشان هستند؛ لیکن می‌بایست تفهیم این حق صراحتاً بعنوان تکلیف پلیس در قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی می‌گردید و مهم‌تر اینکه ضرورتی به منتظر ماندن ضابطین برای حضور وکیل متهم و شروع به تحقیقات نیست؛ ولی همانگونه که شرح آن گذشت پیش‌بینی حق سکوت و تفهیم آن در مرحله تحت نظری به شخص تحت نظر نیز در قانون لازم و ضروری است تا متهم و یا مظنون در صورت تمایل تا حضور وکیل سکوت اختیار کند. بنابراین بیان کلیه حقوق مقرر شده برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در مرحله تحت نظری متهم به منظور انطباق قانون آئین دادرسی کیفری با اسناد مورد اشاره ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. ۲- در بندهای ۳ تا ۵ اصل ۱۸ از مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هر گونه بازداشت یا زندان به نحوه و چگونگی ملاقات وکیل با فرد بازداشت شده اختصاص یافته است و به ترتیب کاملاً محرمانه بودن ملاقات، امکان تعلیق یا محدود نمودن حق ملاقات با وکیل به صلاح‌دید مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر، مصاحبه‌های میان فرد در بازداشت یا زندان و وکیل قانونی وی در معرض دید ضابطین و خارج از محدوده شنیداری مأمورین و اینکه تماس‌های میان آنان نباید به عنوان مدرکی علیه فرد در بازداشت بکار رود مورد تأکید قرار گرفته است؛ لیکن در ماده ۴۸ ق.آ.د.ک صرفاً

به بیان حق ملاقات و مدت آن اکتفا شده و سایر مقررات مربوط به آن از دید قانونگذار مغفول مانده است؛ فلذا ضرورت دارد که این نقیصه یا از طریق اصلاح قانون و یا تصویب آئین‌نامه متضمن بیان کلیه شرایط و مقررات مربوط به نحوه و چگونگی ملاقات برطرف گردد. و این اختیار به پلیس اعطاء گردد تا در مرحله تحت‌نظری در جرایم مهم و به ویژه جرایم تروریستی و جرایم علیه امنیت جامعه، به منظور کشف واقع و چنانچه ملاقات متهم با وکیل موجب انحراف اجرای عدالت و از بین رفتن ادله گردد، از مقام قضایی صلاحیتدار تقاضای تعلیق ملاقات با وکیل (نه حق داشتن وکیل) را نماید. لازم به ذکر است که اختیار مقام قضایی مبنی بر تعلیق نمودن حق ملاقات با وکیل در اصلاحات ۱۳۹۴/۳/۲۴ حذف گردید. با این وصف اعطای اختیار تعلیق و یا محدود نمودن حق ملاقات با وکیل در شرایط استثنائی به مقامات قضایی با حق اعتراض متهم به این تصمیم همانند آنچه در قوانین آئین دادرسی کیفری برخی کشورها از جمله فرانسه مقرر گردیده، مغایرتی با مقررات بین‌المللی ندارد.

۵-۲-۵- سایر حقوق اشخاص تحت نظر

علاوه بر حقوق بیان شده قبلی، حقوق دیگری در مواد ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۰، ۵۳ و ۶۰ ق.آ.د.ک برای اشخاص تحت نظر مقرر گردیده که پلیس مکلف به رعایت آنها هستند. حقوق مذکور به شرح ذیل می‌باشند: الف- ممنوعیت بازداشت بیش از ۲۴ ساعت توسط ضابطین (ماده ۴۶). ب- تکلیف ضابطان به اعلام تحت‌نظر قرار دادن متهم یا مظنون حداکثر ظرف یک ساعت از زمان بازداشت (ماده ۴۷). پ- ارتباط از طریق تلفن یا هر وسیله ممکن، با افراد خانواده یا آشنایان و آگاه نمودن آنان از تحت‌نظر بودن خود (ماده ۵۰). ضابطان نیز تکلیف دارند مقدمات و مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت‌نظر نباید از چنین حقی استفاده نماید. در این صورت مراتب را به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند. سلب حق مذکور و تشخیص ضرورت آن ابتداً با ضابطین بوده، ولی

تصمیم نهایی با ضابطین است. ت- معاینه پزشکی شخص تحت نظر بنا به درخواست وی یا بستگانش (ماده ۵۱). ث- ثبت و ضبط اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت شروع آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی زمان حضور نزد قاضی و تاریخ و ساعت پایان تحت نظر در دفتر مخصوص از سوی ضابطین (ماده ۵۳). ج- منع به اجبار و اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن و طرح سوالات تلقینی و اغفال کننده و خارج از موضوع اتهام (ماده ۶۰). حقوق مذکور به صورت دقیق و با جزئیات بیشتر در مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان مقرر گردیده است و قانونگذار در مقایسه با مقررات مورد اشاره اقدامات مؤثری را در جهت رعایت حقوق افراد تحت نظر بیان داشته است؛ لیکن تصویب آئین‌نامه اجرایی با توجه بیان کلی حقوق شخص تحت نظر در مواد قانونی در رعایت هر چه بهتر حقوق متهم تحت نظر ضروری بنظر می‌رسد. نکته‌ای که در اصل ۳۲ از مجموعه اصول حمایتی سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته و در قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی نگردیده است. حق اعتراض شخص تحت نظر در مورد غیر قانونی بودن بازداشت، نزد یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگری می‌باشد. بنابراین این حق می‌بایست به رسمیت شناخته می‌شد تا هر چند به لحاظ حداکثر مدت زمان بازداشت (۲۴ ساعت) ممکن است تا زمان رسیدگی به اعتراض متهم عملاً مدت تحت نظری پایان یابد؛ ولی حداقل نتیجه این موضوع، حق جبران خسارت از سوی دولت در صورت غیر قانونی بودن بازداشت، خواهد بود. حال در پاسخ به سوالات مطرحه در ابتدای بحث مربوط به حقوق افراد مظنون باید گفت قانون آئین دادرسی کیفری ایران حقوق افراد تحت نظر را منطبق با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد توجه قرار داده است. به جز مواردی که به شرح گذشته بیان شد و مورد ایراد قرار گرفت از جمله مقررات مربوط به حق سکوت و حق داشتن و همراهی و کیل و ضرورت

پیش‌بینی آئین‌نامه اجرایی و فراهم نمودن ساز و کار و تمهیدات مرتبط با اجرای حقوق شخص تحت‌نظر که می‌بایست در اصلاحات بعدی قانون آئین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گیرد. با این وصف و علیرغم برخی محدودیت‌های مربوط به معرفی و کیل رویکرد قانونگذار در قانون آئین دادرسی کیفری یک رویکرد حمایتی است. در پاسخ سؤال دیگر مبنی بر اینکه آیا مرحله تحت‌نظری از دید قانونگذار بعنوان یکی از مراحل فرایند کیفری می‌باشد یا خیر؟ باید گفت که با توجه به پیش‌بینی حقوق متهم یا مظنون در این مرحله و مقرر نمودن تکالیفی برای ضابطین و اینکه مطابق ماده ۳۶ قانون آئین دادرسی کیفری گزارش ضابطین در صورتی که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود، معتبر است؛ فلذا مرحله تحت‌نظری را نیز باید یکی از مراحل فرایند کیفری تلقی نمود؛ لیکن عدم پیش‌بینی امکان تمدید تحت‌نظر متناسب با شدت و تبعات جرم ارتكابی، عدم پیش‌بینی دقیق وضعیت برخی حقوق متهم مانند حق همراهی و کیل، حق معاینه پزشکی، حق اطلاع به نزدیکان و..... در شرایط افزایش مدت تحت‌نظر از نکاتی است که قانون آئین دادرسی کیفری به آنها اشاره نکرده است. تعیین نکردن شرایط و تشریفات قانونی مشخص برای تمدید مدت تحت‌نظر و سایر مطالب عنوان شده قبلی موجب تقویت این ایده می‌گردد که در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همانند رویه پذیرفته شده در قوانین سابق تحت‌نظری به عنوان یکی مراحل مشخص در فرآیند دادرسی کیفری لحاظ نگردیده است.

نتیجه‌گیری

بررسی مقررات مربوط به مرحله تحت‌نظری کشورمان در تطبیق با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و قوانین برخی کشورها نشان می‌دهد که تحت‌نظر بعنوان تدبیری الزام‌آور و ناظر به مرحله‌ای که مظنون یا متهم در بازداشت نیروهای پلیس به سر می‌برد با وجود

تحولات گسترده صورت گرفته مستلزم انجام اصلاحاتی می‌باشد و مقررات مربوط به این مرحله باید جامع و نظام‌مند گردد. قانون آئین دادرسی کیفری تحت نظر قرار دادن مظنونین و متهمین از سوی پلیس را در کلیه جرایم بدون در نظر گرفتن نوع مجازات تجویز نموده است، در صورتیکه تحت نظری بعنوان یک اقدام سالب آزادی باید صرفاً در جرایم با مجازات حبس اعمال گردد. قانونگذار صرفاً یک مدت ثابت را که در همه جرایم و وضعیت‌ها یکسان است، تعیین و در خصوص تمدید نگهداری تحت نظر ساکت است و سرنوشت مظنون را در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی او، به نظر مقام قضایی موکول کرده است و در مورد امکان تمدید مدت تحت نظر در اماکن نگهداری پلیس مقرراتی وضع ننموده و مدت زمان تحت نظری را ۲۴ ساعت تعیین و تمدید آن نه از سوی پلیس و نه توسط مقام قضایی تجویز نشده است.

با توجه به اینکه حقوق مربوط به شخص تحت نظر در قانون به طور مشخص تعریف نشده، لازم است این حقوق بطور مشخص در یک ماده تعریف و بیان شود و شخصی که دستگیر و تحت نظر قرار می‌گیرد حق دارد از حقوق خود و چگونگی استفاده از آن آگاه گردد. وظیفه و تکلیف اطلاع‌رسانی برعهده ضابطین دادگستری می‌باشد. با وجود تصریح ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری در عمل چنین تکلیفی در کلانتری‌ها و مراجع انتظامی انجام نمی‌شود. رعایت حق مذکور مستلزم آموزش پلیس و تهیه اوراق چاپی حاوی کلیه حقوق افراد تحت نظر می‌باشد تا به محض شروع تحت نظری با اخذ رسید به مظنون یا متهم تحویل گردد تا از کلیه حقوق خود آگاهی یابند.

در قانون آئین دادرسی کیفری درباره حق سکوت و تکلیف پلیس به تفهیم آن به متهم در وضعیت تحت نظر بحث نشده است. در حالیکه پیش‌بینی حق سکوت در مرحله کشف جرم، ضروری است که مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است. نکته دیگر در مورد حق سکوت، اطلاع‌رسانی این حق به متهم یا مظنون تحت نظر می‌باشد و اینکه

ضابطین می‌بایست حق مذکور را به اطلاع متهم برسانند. در قانون آئین دادرسی کیفری ایران نه ضابطین و نه قضات تکلیفی به تفهیم حق سکوت به متهمین ندارند و از این جهت قانون ساکت است.

با توجه به حقوق پیش‌بینی شده برای اشخاص تحت‌نظر در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و اینکه حق داشتن وکیل از مهم‌ترین این حقوق می‌باشد ضابطین مکلف به تفهیم حق مزبور همانند سایر حقوق متهم به ایشان هستند؛ لیکن می‌بایست تفهیم این حق صراحتاً بعنوان تکلیف ضابطین در قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی می‌گردید و مهم‌تر اینکه الزامی به منتظر ماندن ضابطین برای حضور وکیل متهم و شروع به تحقیقات نیست؛ البته پیش‌بینی حق سکوت و تفهیم آن در مرحله تحت‌نظری به شخص تحت‌نظر نیز در قانون این حق را به متهم یا مظنون می‌دهد در صورت تمایل تا حضور وکیل سکوت اختیار کند. بنابراین بیان کلیه حقوق مقرر شده برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در مرحله تحت‌نظری متهم به منظور انطباق قانون آئین دادرسی کیفری با اسناد مورد اشاره ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

نحوه و چگونگی ملاقات وکیل با فرد بازداشت شده و کاملاً محرمانه بودن ملاقات، امکان تعلیق یا محدود نمودن حق ملاقات با وکیل به صلاحدید مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر، مصاحبه‌های میان فرد در بازداشت یا زندان و وکیل قانونی وی در معرض دید ضابطین و خارج از محدوده شنیداری مأمورین و اینکه تماس‌های میان آنان نباید به عنوان مدرکی علیه فرد در بازداشت بکار رود که در بندهای ۳ تا ۵ اصل ۱۸ از مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان مورد تأکید قرار گرفته است، در قانون آئین دادرسی کیفری بیان نگردیده و در ماده ۴۸ صرفاً به بیان حق ملاقات و مدت آن اکتفا شده و سایر مقررات مربوط به آن از دید قانونگذار مغفول مانده است؛ فلذا ضرورت دارد که این نقیصه یا از طریق اصلاح قانون

و یا تصویب آئین‌نامه متضمن بیان کلیه شرایط و مقررات مربوط به نحوه و چگونگی ملاقات برطرف گردد. نکته‌ای که در اصل ۳۲ از مجموعه اصول حمایتی سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته و در قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی نگردیده است، حق اعتراض شخص تحت نظر در مورد غیرقانونی بودن بازداشت، نزد یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگری می‌باشد. بنابراین این حق می‌بایست در قانون آئین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته می‌شد تا هر چند به لحاظ حداکثر مدت زمان بازداشت (۲۴ ساعت) ممکن است تا زمان رسیدگی به اعتراض متهم عملاً مدت تحت نظری پایان یابد؛ ولی حداقل نتیجه این موضوع، حق جبران خسارت از سوی دولت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت، باقی خواهد بود.

نظر به پیش‌بینی حقوق متهم یا مظنون در مرحله تحت نظری و مقرر نمودن تکالیفی برای ضابطین و اینکه مطابق ماده ۳۶ قانون آئین دادرسی کیفری گزارش ضابطین در صورتی که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود، معتبر است؛ فلذا مرحله تحت نظری را نیز باید یکی از مراحل فرایند کیفری تلقی نمود؛ لیکن عدم پیش‌بینی امکان تمدید تحت نظری متناسب با شدت و تبعات جرم ارتكابی، عدم پیش‌بینی دقیق وضعیت برخی حقوق متهم مانند حق همراهی و کیل، حق معاینه پزشکی، حق اطلاع به نزدیکان و..... در شرایط افزایش مدت تحت نظری و از طرفی مشخص نمودن ضوابط و شرایط تمدید مدت تحت نظری از نکاتی است که قانون آئین دادرسی کیفری به آنها اشاره نکرده است.

پیشنهادات:

۱- حقوق مربوط به شخص تحت نظر و تکالیف پلیس در این مرحله بطور مشخص در یک ماده قانونی تعریف و بیان گردد و اوراق چاپی حاوی کلیه حقوق افراد تحت نظر

به محض شروع تحت‌نظری با اخذ رسید به مظنون یا متهم تحویل گردد تا از کلیه حقوق خود آگاهی یابند.

۲- در جرایم مهم از جمله جرایم تروریستی مدت تحت‌نظری پلیسی قابل تمدید باشد و مقررات تحت‌نظری و تکالیف پلیس به موجب آئین نامه تعیین شود.

۳- تحت‌نظری بعنوان یک اقدام سالب آزادی صرفاً در مورد جرایم با مجازات حبس اعمال گردد.

۴- حق اعتراض شخص تحت‌نظر در مورد غیر قانونی بودن بازداشت، نزد یک مقام قضایی به رسمیت شناخته شود.

۵- مرحله تحت‌نظر بعنوان یکی از مراحل فرآیند دادرسی کیفری با رعایت کلیه حقوق دفاعی متهم یا مظنون در قانون آیین دادرسی کیفری لحاظ شود.

۶- حق سکوت در مرحله کشف جرم و تحت‌نظری متهم یا مظنون و اطلاع‌رسانی این حق به آنان توسط پلیس در کلانتری در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شود.

۷- ضمانت اجرای بطلان تحقیقات در صورت عدم رعایت اصول و ضوابط مربوط به بازجویی و جمع‌آوری ادله توسط ضابطین مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع

- آشوری، محمد، (۱۳۹۲)، «عدالت کیفری (۲) مجموعه مقالات»، چاپ اول، انتشارات دادگستر.
- آشوری، محمد؛ سپهری، روح‌الله، (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مرحله تحت‌نظر در آئین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، مقاله، آموزه‌های حقوق کیفری / پژوهشها، دانشگاه علوم رضوی، شماره ۶.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، «نگهداری تحت‌نظر»، مقاله، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ دوم، انتشارات سمت.

- پرادل، ژان؛ کورستنز، گنرت؛ فرملن، گرت، (۱۳۹۳) «حقوق کیفری شورای اروپا»، ترجمه، دکتر محمد آشوری، چاپ اول، انتشارات خرسندی.
- تدین، عباسی، (۱۳۹۱)، «قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه»، ترجمه، چاپ اول، نشر خرسندی.
- خالقی، علی، (۱۳۹۴)، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ بیست و هفتم، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش .
- رحمدل، منصور، (۱۳۸۵)، «حق سکوت»، مقاله، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.
- ساقیان، محمد مهدی، (۱۳۹۳)، «تحولات حق متهم بر داشتن و کیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران»، مقاله، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱.
- شریعت باقری، محمد جواد، (۱۳۹۳)، «اسناد دیوان کیفری بین‌المللی»، چاپ چهارم، انتشارات جنگل.
- فضائلی، مصطفی، (۱۳۹۲)، « دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی »، چاپ سوم، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- کوشکی، غلامحسین، سهیل مقدم، سحر، (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا»، مقاله، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۴.
- محمدی، حمید، (۱۳۸۷)، «بررسی و نقد دستور نگهداری متهم تحت نظر در مقررات دادرسی ایران»، مقاله، مجله حقوقی تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۳.
- مهرا، نسرین، (۱۳۸۷)، «نظام حقوقی انگلستان»، چاپ اول، نشر میزان.
- وروائی، اکبر؛ بهرامی‌پور، رسول، پراکوهی، محمد احسان، (۱۳۹۳)، «حقوق متهم تحت نظری در نظام حقوقی ایران»، چاپ اول، انتشارات بهنامی.

- Hodgson, J. (2004). The detention and interrogation of suspects in police custody in France: A comparative account. *European journal of criminology*, 1(2), 163-199.
- Skinnis, L. (2010). Stop the clock? Predictors of detention without charge in police custody areas. *Criminology & Criminal Justice*, 10(3), 303-320.

- **قوانین داخلی**

- (۱۷) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی.
- (۱۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- **قوانین خارجی**

- (۱۹) قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه
- (۲۰) قانون و آئین نامه پلیس و ادله کیفری انگلستان
- **اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای**
- (۲۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر. ۱۹۴۸.
- (۲۲) میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶.
- (۲۳) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۵.
- (۲۴) آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی.
- (۲۵) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰.
- (۲۶) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹.
- (۲۷) کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم ۱۹۸۱.
- (۲۸) مجموعه اصول برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت و زندان مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۸۸.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ